

بازپژوهی در حکم روزه عاشورا

حمید کوه پیمما،^۱ پرویز رستگار جزی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸)

چکیده

روایات روزه عاشورا با تنوع خود در اثبات روزه به عنوان واجب شرعی یا انکار آن در قالب امری حرام، با توجه به ملاحظات عقیدتی و سیاسی، حکمی متفاوت پیدا کردند. دامنه این اختلافات از محدثان متقدم شروع شد و با اوج‌گیری در دوران اخباریان دوباره احیاء گردید و زمان حاضر نیز در قالب ارائه فتاوا و شرح‌نویسی ذیل منابع فقهی و جوامع روایی ادامه یافته است. تحلیل فقه‌الحدیثی مجموعه روایات اثباتی در مقابل انکاری روزه عاشورا می‌تواند راهگشای مهمی در فهم اصل صدور و صحت آنها باشد و در این مسیر، درک تأثیر واقعه عظیم کربلا از یک طرف، تاریخچه صدور این روایات در دیگر سو و در نهایت موضع‌گیری ائمه علیهم‌السلام، تأثیری به‌سزا و دریافت فهمی مشترک از آنها خواهد داشت. امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام با پیش‌بینی نتیجه عمل به روایت صوم عاشورا در به انحراف کشاندن اهداف قیام عاشورائیان به مقابله با بدعت و سیاست‌ورزی اموی رفتند و با خدشه در صدور و محتوای روایات صوم، این روایات را با واقعه کربلا همخوان ندانستند.

کلیدواژه‌ها: فقه الحدیث، روزه عاشورا، استحباب، کراهت، بنی‌امیه.

طرح مسئله

صدور هر حکم فقهی روند طبیعی خود را دارد ولی وقتی فتوایی همراه با مبنای عقیدتی یا تاریخی باشد و با بدعتی عجین گردد بازخوردهای متفاوتی را به بار می‌نشانند. نصوص

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) /

hamidkoohepyma@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان / rastegar@kashanu.ac.ir

وارده حول وجوب، استحباب، نهی یا حرمت روزه عاشورا از جمله احادیثی هستند که بایستی بر اساس سیره عملی معصومین علیهم السلام و هم‌چنین فقه‌الحدیث شوند. برخی روایات روزه با تأیید و برخی هم با سکوت، در مقابل احادیثی قرار گرفته‌اند که مؤمنان را از روزه در آن روز برحذر داشته، زیرا عمل به این روایات را همانندی با بنی‌امیه به عنوان دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام دانسته که شائبه تصدیق رفتارشان را نیز به وجود می‌آورد. شایان ذکر است براساس بررسیهای انجام‌شده مطالب متعددی در قالب کتاب و مقالات مستقل یا در ضمن منابع فقهی^۳ حول موضوع حکم روزه عاشورا عرضه و منتشر شده است، اما در هیچ کدام از نوشتارهای مورد اشاره به سیر تحول یا دگردیسی حکمی روزه بر مبنای انگیزه‌های مختلف سیاسی و عقیدتی بحثی به میان نیامده است. پژوهشگر در این نوشتار در تلاش است اندیشه‌های فقهی برگرفته از روایات را تنها با تکیه بر نقد متنی و شبهه در سند این دست روایات و با هدف ابهام‌زدایی از صدور احکام متفاوت در موضوعی خاص بررسی کند.

واژه‌شناسی تاسوعا و عاشورا

در معاجم لغوی واژه عاشورا، عاشوراء، عشور و عشوراء نامهای چهارگانه‌ای هستند که به دهم هر ماه قمری اطلاق شده است و بر همین منوال این نام‌گذاری بر روز نهم نیز جاری شد؛ تاسوعا، تاسوعاء، تسوع و تسوعاء (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۴۹/۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۳۴۶/۴؛ هورینی، بی‌تا، ۸۹/۲ و ۹/۳؛ حسینی زبیدی، بی‌تا، ۴۰۰/۳؛ فیومی، بی‌تا، ۱۰۴؛ شیرازی، ۱۳۱۶ق، ۴۶۵/۱ و ۸۸/۲). ولی با توجه به واقعه عظیم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا عاشورا اسمی علم گردید که تنها برای دهم محرم اطلاق شد که مختص اولین

۳. مقالاتی که صرفاً به موضوع عاشورا و روزه آن اختصاص یافته‌اند، عبارتند از: پیشینه عاشورا (رضا استادی)، نقد مقاله سنت‌بودن روزه عاشورا (مصطفی ابوجعفر)، بررسی تاریخی روزه عاشورا در صدر اسلام (حمیدرضا مطهری)، تحقیق فی صوم یوم عاشورا (محمدحادی غروی). از جمله کتابهایی که در این زمینه تألیف شده‌اند می‌توان به منابع حدیثی و فقهی از جمله: تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (حر عاملی)، کافی (کلینی)، تهذیب و استبصار (طوسی)، من لایحضره الفقیه (ابن‌بابویه)، العروه الوثقی (طباطبایی یزدی) و هم‌چنین رساله‌های عملیه که مستنبط از روایات فقهی هستند، اشاره کرد. ضمناً کتابی که صرفاً به بررسی موضوع مورد بحث اشاره دارد: روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی ترجمه صوم عاشوراء؛ درسه فقهیه حول حکم صوم یوم عاشورا علی ضوء المذاهب الاسلامیه (نجم‌الدین طوسی).

ماه قمری است (استادی، ۱۳۷۴ ش، ۷۰). با توجه به اینکه وزن فاعولا در زبان عربی وزنی استثنایی است برخی معتقد به معرب بودن آن هستند (ازهری، بی تا، ۴۰۹/۱).

روایات روزه عاشورا

روایات بیانگر حکم روزه عاشورا در تقسیم‌بندی صورت‌گرفته در سه گروه قرار می‌گیرند:

الف: روایات تأییدکننده روزه عاشورا؛

ب: روایات بیانگر حکم روزه عاشورا پس از تشریح روزه رمضان؛

ج: روایات پیشگیرانه صادقین علیهم‌السلام از روزه در عاشورا.

مهمترین گروه احادیث در بیان چگونگی روزه عاشورا، احادیثی‌اند که با تأیید روزه این روز خاص، آن را به‌سان حکم واجب یا امری مستحب معرفی می‌کند:

حکم روزه عاشورا در زمان جاهلیت

۱. ابوهیره از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرد: «عاشورا عید پیامبران قبل از شماسست پس در آن روزه بگیرید» (هیثمی، ۱۹۶۱ م، ۱۸۵/۳). این روایت در برخی جوامع با اندکی اختلاف و با حذف واژه عید، نقل شده است؛ «صوم یوم عاشورا یوم کانت تصومه الأنبياء فصومه انتم» (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۱۴ ق، ۴۷۱/۲؛ سیوطی، ۱۳۷۷ ق، ۳۴۵/۶).
۲. عایشه نیز پس از معرفی روزه به عنوان سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین روایت کرد: «قریش در جاهلیت این روز را روزه گرفته، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مثل ایشان اقدام می‌کرد. پس از هجرت با امر به دیگران، خود نیز روزه بودند تا این که روزه رمضان تشریح گردید؛ سپس با ترک روزه عاشورا، فرمودند هرکس تمایل داشت می‌تواند این روز را روزه بدارد» (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ۲۵۰/۲).
۳. ابن‌عباس روایت کرده است: «وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه آمدند دیدند که یهودیان در روز عاشورا روزه‌اند، پرسیدند: این کار برای چیست؟ گفته شد: حضرت موسی علیه‌السلام برای فرخندگی آن روز و به شکرانه آزادی بنی‌اسرائیل از ستم فراعنه در آن روزه داشتند. حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من به تبعیت از موسی علیه‌السلام سزاوارترم از این رو این روز را روزه می‌گیرم؛ بدین سان دیگران را بدان امر فرمودند.» (همان، ۲۵۱/۲). نکاتی که در تحلیل سفر (هجرت) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ارتباط آن با روزه مغفول ماند به قرار زیر است:

الف) هجرت پیامبر ﷺ به مدینه در ماه ربیع الاول صورت گرفت؛
 ب) چیزی به عنوان روزه عاشورا به عنوان سنت یهود یافت نشد؛
 ج) سنت روزه توسط یهود در ماه محرم وجود ندارد (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ۷۹).
 درخصوص تقارن روز عاشورا با سنت روزه یهود باید گفت روایات دال بر روزه یهودیان در عاشورا جعلی است، زیرا از اسناد یهود برمی آید که دهم تشرین (روزه مخصوص یهود) (کهن، ۱۳۹۴ ش، ۱۲۵-۱۲۲؛ هاکس، ۱۳۴۹ ش، ۴۲۷) با دهم محرم همیشه یک روز نیست بلکه ممکن است گاهی همزمان شوند، در صورتی که ظاهر روایات بر این است که یهود همواره در دهم محرم روزه می گرفته‌اند. نکته مهم در این مورد اینکه جواد علی و آلوسی معتقدند اعراب با جشنهای ادیان و اقوام دیگر آشنا بودند ولی گاهی در برخی از این جشنها شرکت می نمودند (علی، ۱۹۹۳ م، ۵/۱۰۴-۱۰۰؛ آلوسی، ۱۳۱۴ ق، ۱/۳۴۸-۳۴۵)، در حالی که بیشتر روایت تأکید دارند اعراب پیش از اسلام این جشنها را به عنوان سنتی لازم الاجرا پذیرفته بودند.

۴. در روایتی از ابوسعید خدری نقل شد: «ان رسول الله ﷺ أمر بصوم عاشورا و كان لا يصومه: رسول خدا ﷺ به روزه عاشورا امر می فرمود اما خودشان در آن روز، روزه نمی گرفت» (هیثمی، ۱۹۶۱ م، ۳/۱۸۶).

۵. هم چنین مالک و دارمی تنها به سنت پیامبر ﷺ در روزه روز عاشورا پیش از بعثت اشاره کرده ولی از ادامه این سنت در زمان رسالت گزارشی نداده‌اند: «كان يوم عاشورا يوما تصومه قريش في الجاهلية و كان رسول الله ﷺ يصومه في الجاهلية» (مالک بن انس، ۱۴۰۶ ق، ۱/۲۱۹؛ دارمی، ۱۳۹۴ ق، ۲/۲۳).

۶. نویسنده نیل الاوطار با اشاره به وجوب روزه رمضان، در تأیید انجام سنت روزه عاشورا روایتی را بدین مضمون گزارش می کند: «ان اهل الجاهلية كانوا يصومون يوم عاشورا و ان رسول الله ﷺ صامه و المسلمون، قبل ان يفرض رمضان» (شوکانی، ۱۹۷۳ م، ۴/۳۲۶).

۷. هم چنین از قول رسول خدا ﷺ روایتی در تخییر روزه پس از وجوب روزه رمضان آمده است: «قريش اين روز را در زمان جاهليت روزه گرفتند پس هر کدامتان دوست دارد، در آن روز روزه بگیرد یا روزه را ترک کند» (دارمی، ۱۳۹۴ ق، ۲/۲۲؛ هندی ۱۴۱۱ ج ۲ ص ۷۴۷).

۸. معاویه روزه عاشورا را سنت مرسوم پیامبر ﷺ در عهد جاهلیت معرفی کرد (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ۲۹۰/۴).

۹. مصباح المنیر با اشاره به تعدد روایات مبنی بر سنت عملی پیامبر ﷺ در روزه دهم محرم از یک طرف و مشاهده روایات ناهی روزه در آن از سوی دیگر به منظور جمع روایات مخالف روزه عاشورا افزود: «برآیند روایات مؤید روزه، این است که حضرت (ص) با صدور حکمی جدید در قالب اتصال روزه روزهای نهم و دهم محرم، خواستند از شباهت سنت جدید با اقدام اهل کتاب هم‌چنین سنت جاهلی در این مورد جلوگیری نمایند» (فیومی، بی‌تا، ۱۰۴).

در روایات شیعی نیز می‌توان ردپایی از عمل به این سنت توسط پیامبر ﷺ یافت:
 ۱۰. شیخ الطائفه در کتابهای فقه‌الحدیثی تهذیب الاحکام و الاستبصار، با اسنادی متفاوت آورده است: «صام رسول الله (ص) یوم عاشورا» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۳۴/۲؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ۳۰۰/۴).

۱۱. در روزهای نهم و دهم محرم روزه بگیرید زیرا این عمل کفاره گناهان یک سال شما است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۳۴/۲).

حکم روزه عاشورا پس از تشریح روزه رمضان

براساس روایات، حکم روزه عاشورا پس از تشریح روزه رمضان، شکلی دیگر به خود می‌گیرد:

۱. «صام النبی ﷺ عاشورا و امر بصیامه، فلما فرض رمضان ترک: پیامبر ﷺ عاشورا را روزه می‌گرفت و دیگران را نیز بدان امر نمودند ولی پس از وجوب روزه رمضان، روزه عاشورا ترک شد» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۲۲۶/۲) و در روایتی دیگر نیز آمده است: «إن قریشا کانت تصوم یوم عاشورا فی الجاهلیه ثم امر رسول الله ﷺ بصیامه حتی فرض رمضان» (همان، ۳۱/۳). بر اساس این قبیل روایات برخی فقهای شیعه معتقد به وجوب روزه روز عاشورا قبل از تشریح روزه رمضان بودند (نجفی، بی‌تا، ۱۰۷/۱۷؛ میرزای قمی، بی‌تا، ۷۸/۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۶۸/۶؛ سبزواری، بی‌تا، ۵۰).

۲. نقل شده است که پیامبر ﷺ پس از تشریح احکام ماه رمضان مسلمانان را به روزه دهم محرم مخیر نمودند: «لما فرض صوم رمضان، سئل عن النبي ﷺ عن صوم عاشورا، فقال: هو يوم من ايام الله تعالى فمن شاء صامه و من شاء تركه» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۶۵۸/۸).

۳. دو نوع روایت از امام صادق ﷺ در این خصوص وارد شده روایتی که دلالت بر استحباب روزه است و روایتی دیگر که بر حرمت و بدعت بودن آن اشاره دارد: «اما الصوم الذی یکون صاحبه فیه بالخیار... و صوم یوم عاشورا فکل ذلک صاحبه بالخیار ان شاء صام و ان شاء افطر» (طوسی، ۱۳۶۴ش، ۱۳۲/۴). از طرف دیگر در روایتی آمده که راوی از امام صادق ﷺ در خصوص روزه عاشورا سؤال کردند و امام ﷺ با بیان خود به واجب بودن روزه عاشورا قبل از صدور احکام رمضان اشاره می‌فرمایند: «سالت أبا جعفر ﷺ عن صوم یوم عاشورا، فقال: صوم متروک بنزول شهر رمضان و المتروک بدعة» (کلینی، ۱۳۹۴ق، ۱۴۶/۴). در این روایت امام ﷺ اقدام به روزه در روز عاشورا را با توجه به جاهلی بودن از یک طرف و ترک آن با تشریح روزه رمضان از سوی دیگر به عنوان بدعت معرفی کردند که در ادامه سنت جاهلی است.

امام صادق ﷺ و مواجهه با روزه عاشورا

انتخاب روز عاشورا به عنوان عید و سرور، القاء امویان است، ابوریحان در این ارتباط تصریح می‌کند: بنی‌امیه در این روز، لباس نو به تن کرده، با آراستن خود و سرمه به چشم کشیدن به یکدیگر تبریک می‌گفتند و در این روز، ولیمه می‌دادند؛ این مراسم در آن ایام در میان مردم شایع بوده و بعد از زوال سلطنت آنان، با فراموشی فلسفه انتخاب این روزه به عنوان روز جشن، آثارش (حکم روزه) هم‌چنان باقی ماند (قزوینی، بی‌تا، ۱۱۴/۱ و ۱۰۴/۳؛ فاطمی، ۱۳۸۱ش، ۱۱۵). سیاستی که توسط دولت بنی‌ایوب جهت مقابله با مشی فاطمیان در مصر نیز اجرا می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۳۸۵/۲؛ متز، ۱۳۶۶ق، ۱۳۷/۱). از سخنان مقریزی و دیگران به ذهن این‌گونه متبادر می‌شود که انتخاب روز عاشورا به عنوان عید همراه با اعمال مخصوص اعیاد و برپانمودن مراسم شادمانی از بدعت‌های امویان است، طوری که حجاج به تأسی از امویان متقدم اصرار زیادی بر اقامه جشن و سرور در این روز داشت زیرا از عدم حضورش در کربلا، تأسف می‌خورد بدین سبب تأکید زیادی در جبران گذشته خویش به منظور خوش نامی در دستگاه خلافت داشت (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۳۷۰-۳۹۰/۲).

کراجکی، بی تا، ۴۵). هم چنان که فرازی از زیارت عاشورا روایت‌گر این تفکر است؛ «هذا یوم تبرکت به بنو امیه». فضای غالب روایات مخالف حکم روزه عاشورا، اشاره به این واقعه تاریخی و دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام است؛ بنی‌امیه پس از حادثه کربلا به منظور پیروز جلوه دادن خود با سوءاستفاده از روایات تکریم نهم و دهم محرم در عصر جاهلیت و زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از تشریح روزه رمضان، از آن بهره برداری تبلیغاتی کردند؛ چون در این روز امام علیه‌السلام کشته شده و کشتن اهل بیت علیهم‌السلام به زعم ایشان به علت شورش بر خلیفه، مرضی خداوند بوده پس به برکت آن مطابق مرسوم و بر اساس نقل برخی روایات (احکام جشنها و اعیاد) باید روزه گرفت. مقابله با این نیت بود که لحن روایات شیعی را تغییر داد، چرا که این سنت با توجه به تبلیغات بنی‌امیه به منظور از بین بردن تأثر مردم از اتفاقات عاشورا، به عنوان حکمی سیاسی و شبه واجب تلقی شده، بدین جهت روات به منظور رفع ابهام از محضر امام صادق علیه‌السلام حکم روزه را استفتا می‌کردند.

از طرف دیگر میان انقلابیان عباسی و علوی که مجموعاً بنی‌هاشم معروف بودند دو بار یکی در مدینه و دیگری در مکه پیمان اقدام مبارزه مسلحانه به منظور مقابله با بنی‌امیه منعقد شد (طبری، بی تا، ۵۱۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ۱۷۴-۱۷۲) با توجه به اقدام این دو جریان هماهنگ در خونخواهی از شهدای نینوا بنی‌امیه چاره را در استفاده از جهالت مردم دید و با وضع روایاتی در وصف روزه عاشورا و اهتمام در اجرای سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صد کمرنگ کردن این قیامها و به منظور عقب‌راندن مردم از توجه به اتفاقات محرم سال ۶۱ هجری برآمد (موسوی مقرر، ۱۳۵۷ش، ۱۳۲)؛ قیامی که نیازمند به پرچم و مبتنی بر نامی باید باشد که قیام عاشورا فرصت بسیار مغتنمی برای خونخواهی بود. دستگاه خلافت نیز از این فرصت استفاده نمود و با پیش‌کشیدن روایات صوم عاشورا با برجسته‌کردن پیشینه اصل روزه برای اعیاد با عادی جلوه دادن شهادت امام علیه‌السلام در پی فروکاستن اعتبار قیامی جدید بودند. در این موضع نیز امام صادق علیه‌السلام با موضعگیری هوشمندانه و تبیین فلسفه روزه عاشورا و نقد اقدام خلفای بنی‌امیه به مقابله با جنگ مذهبی، رسانه‌ای و فرهنگی دستگاه خلافت پرداختند (رستگارجزی، ۱۳۸۶ش، ۷۴).

۱. نوع روایات این دوره خاصه از امام صادق علیه‌السلام در راستای مقابله با مشی سیاسی حکومت بنی‌امیه بیان شد، که همراهی با این روش حکومت برابر است با تأیید اهداف سیاسی و عقیدتی ایشان. آن چنان که در برخی از احادیث چنین روایت شده است: «اما انه

صیام یوم ما نزل به کتاب و لاجرت به سنة الا سنة آل زیاد بقتل الحسين بن علی علیه السلام» (کلینی ۱۳۹۱ق، ۴/۱۴۶).

۲. امام صادق علیه السلام در به چالش کشیدن فلسفه انتخاب عاشورا فرمودند: «تبریک گویان این روز را به عید تبدیل کردند تا مردم به جای اندوه به شادی بگرایند. چگونگی زمان ارتحال ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان آن روز گریان شدند ولی در روز شهادت پنجمین از اصحاب کساء علیهم السلام باید زمانه شادی و فرح امت باشد؟» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۴/۲۷۰).

۳. ابن سنان فلسفه روزه عاشورا را از زبان امام صادق علیه السلام چنین گزارش می‌کند: «روز عاشورا حضرت علیه السلام را با چهره‌ای محزون دیدم، پرسیدم: یابن رسول الله صلی الله علیه و آله، خداوند چشمانتان را نگریاند؛ علت حزن و اندوه شما چیست؟ فرمودند: آیا غافلیم که حسین علیه السلام در مثل چنین روزی به مصائب عظیم مبتلا شد؟ عرض کردم: سید و آقای من! نظرتان درباره روزه آن چیست؟ فرمودند: این روز را روزه بدار؛ ولی قبل از کامل کردنش، افطار کن... روزهات را کامل نکن و اندکی بعد نماز عصر، با جرعه آبی افطار کن» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۵۴۷).

۴. امام صادق علیه السلام در وقتی دیگر فرمودند: «عاشورا روز شهادت حسین علیه السلام است. اگر می‌خواهی امام علیه السلام را شماتت کنی (و خشنودیات را از بلائی نازله بر ایشان ابراز نمایی) روزه بگیر. بنی امیه و شامیان... نذر کردند: اگر حسین علیه السلام کشته شود و خود سالم بمانند... آن روز را عید بگیر و به شکرانه‌اش، روزه باشند. لذا امروزه روزه عاشورا سنت شده و عوام هم به آنان اقتدا کردند. آری! به این علت در آن روز می‌گیرند و اهل و عیال خود را مسرور می‌کنند. حضرت علیه السلام در ادامه فرمودند: آری! روزه این روز، برای (به نیت) مصیبت نیست. چون فقط به نیت سپاس و شکرانه سلامتی بنی‌امیه است. حسین علیه السلام در آن مصیبت دیده، اگر تو هم مصیبت‌زده‌ای روزه بگیر و اگر از کسانی هستی که قصد شماتت اهل بیت علیهم السلام را دارند، در آن روزه بدار» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۶۷).

۵. زراره گفت از امام صادق علیه السلام از مزد روزه عاشورا پرسیدم، فرمودند: «کسی که در این روز روزه بدارد نصیبش از روزه همان بهره ابن‌مرجانه و آل‌زیاد است. پرسیدم: نصیب‌شان این روز چیست؟ فرمود: آتش جهنم! به خدا پناه می‌بریم از عملی که نتیجه‌اش آتش باشد!» (کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴/۱۴۷).

۶. در وسائل الشیعه با استناد به روایتی آمده است: «امام صادق علیه السلام پس از سؤالی درباره روزه این دو روز فرمودند: این روزها برای روزه گرفتن نیست، چون روز حزن و مصیبت اهل آسمان‌ها، زمین، مؤمنین و فرح و سرور ابن مرجان، آل زیاد و شامیان است» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۱۰/۴۶۰).

احکام برداشت شده از روایات فریقین پیرامون روزه عاشورا

از ظاهر روایات متعدد فریقین پیرامون تأیید یا انکار روزه عاشورا احکام متناقضی برداشت شده که مجموعه این احکام متفاوت تنها بر اساس نص روایت است. مجموعه این احکام در چهار گروه قرار می‌گیرند:

۱. حرمت

از دوره اخباریان به بعد با توجه به برخی حساسیتهای ایجادشده، راویان و فقهای معتقد به حرمت روزه عاشورا شدند (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ۷۹). در «جامع المدارک» با تأیید نظر برخی پیشینیان، آمده است: «برخی فقهای متأخر نیز قاطعانه حرمت روزه را برگزیده و احادیث مخالف آن را از باب تقیه برشمردند؛ پس اقرب، حرمت روزه است (خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ۲/۲۲۶). مؤلفان «الحدائق الناظره»، «الشافی فی العقائد» و «الاحکام و الاخلاق» معتقدند جملگی اخبار روزه عاشورا حاکی از حرمت روزه است (بحرانی، بی تا، ۱۳/۳۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵ ق، ۲/۱۰۷۷). پس از جمع‌بندی روایات روزه توسط مقدس اردبیلی، ایشان دلایلی چند را جهت تبیین فلسفه حکم حرمت روزه ارائه می‌دهد: «تبرک شکرانه پیروزی، شهادت امام علیه السلام هماهنگی و تمثل به بنی امیه، آل زیاد و آل مروان» (مقدس اردبیلی، ۱۴۲۷ ق، ۵/۱۸۸). مرحوم نراقی همانند اسلاف خود در اعتقاد به حرمت روزه عاشورا، فلسفه اصلی تحریم روزه را بدعت روزه عاشورا معرفی کرده است: «فالحق حرمة صومه من هذه الجهة فإنه بدعه عند آل محمد علیهم السلام متروکه» (نراقی، بی تا، ۱۰/۴۹۳).

۲. کراهت

برخی با شدت کمتری نسبت به معتقدان حرمت روزه متمایل به کراهت آن هستند. طباطبایی یزدی (طباطبایی یزدی، بی تا، ۳/۶۵۷)، مؤلف «غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع» (ابن زهره حلبی، بی تا، ۲/۱۴۸)، سبزواری (سبزواری، بی تا، ۳۴۹)، خوبی در «المستند فی

شرح عروه الوثقی» (خویی، بی تا، ۱۸۶/۲۲)، سید محسن حکیم در «مستمسک عروه الوثقی» (حکیم، ۱۳۷۴ ش، ۴۲۸/۱)، مرعشی نجفی در رساله عملیه و امام خمینی (خمینی، ۱۳۹۱ ش، ۹۶۸/۱) و غالب شارحان العروه الوثقی از این گروهند.

۳. استحباب

فقهای زیادی در اعصار مختلف اعتقاد به مستحبی بودن روزه عاشورا داشتند (طوسی، بی تا، ۱۰۱)؛ از جمله ابن ادریس حلی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ۴۱۹/۱)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ۲۳۸/۱)، محمدحسن نجفی (نجفی، بی تا، ۱۷/۱۰۹-۸۹)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۳۸۱ ق، ۷۹/۲)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۸۶/۳)، شیخ بهایی (بهایی، ۱۳۱۲ ق، ۱۰۶). برخی روایات مرجحه، روزه را سنت پیامبر ﷺ و هماهنگ با رسم اعراب جاهلی معرفی کرده که اگر روزه به نیت حزن و اندوه قبل از غروب و ترجیحاً با تربت کربلا افطار شود، عملی پسندیده است. صاحب «مجمع الفائده» با توضیح حکم استحباب روزه می افزاید: «حکم حلی با روایاتی که در این باب آمده هماهنگ می باشد از جمله: روزه تاسوعا و عاشورا یا روزه عاشورا به تنهایی کفاره یک سال گناه است یا روایاتی که روزه را سنت پیامبر ﷺ دانسته و...» (مقدس اردبیلی، ۱۴۲۷ ق، ۷۰/۲). شبیه همین حکم و توجیه از سوی محمدباقر سبزواری نیز بیان شده است (سبزواری، بی تا، ۵۰). تفاوت نیت روزه شیعه علاوه بر مقابله با دشمنان اهل بیت ﷺ، نشان می دهد که این رفتار هیچ شباهتی به سنت اموی ندارد. مقدس اردبیلی در تشریح این فتوا می گوید: «در جمع روایات استحباب، کراهت شدید یا حرمت، می توان گفت... گروه دوم مربوط به روزه عاشورا به شکرانه شهادت امام ﷺ است که حرام می باشد و روزه ای که شائبه هماهنگی با سنت بنی امیه در آن باشد، مکروه است» (مقدس اردبیلی، ۱۴۲۷ ق، ۱۸۸/۵). با توجه به وجود اشکالات سندی روایات ناهیه و معارض نداشتن آنها با روایات مرجحه، مرحوم خویی نیز به طور مطلق حکم به استحباب روزه در این روز دادند (خویی، ۱۴۱۸ ق، ۳۱۸/۲۲-۳۱۳).

۴. وجوب

با توجه به عادت روزه دهم محرم قبل از نزول احکام و تشریح روزه ماه رمضان، برخی مانند میرزای قمی در «غنائم الأيام» (میرزای قمی، بی تا، ۷۸/۶) قائل به وجوب شد. صاحب

«مدارک» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۶۴/۶) و همچنین نجفی در جواهر الکلام (نجفی، بی تا، ۱۰۷/۱۷) نیز نشانه‌هایی از تمایل آنان به وجوب روزه نشان می‌دهند. توجه به تنوع احکام صادره از سوی فقهای امامیه ما را به این سمت هدایت می‌کند که اعتقاد به تقیه‌ای بودن این روایات یا عدم اعتقاد به آن از سوی فقها می‌تواند در نوع فتوا در قبال روزه عاشورا دخیل باشد. مرحوم مجلسی در تحلیل روایات عاشورا معتقد است: «روایات گویای ثواب بودن روزه عاشورا از روی تقیه صادر شده‌اند و نهایت استنباطی که از این احکام به دست می‌آید این است که آنچه مستحب است و ثواب دارد خودداری از مبطلات روزه تا وقت عصر است؛ البته نه به نیت روزه و: الأحوط ترک صیامه مطلقاً؛ بنابر احتیاط واجب به هیچ عنوان نباید روز عاشورا، روزه گرفت» (مجلسی، ۱۳۶۳ش، ۳۶۱/۱۶).

تحلیل روایات روزه عاشورا

در تحلیل روایات مختلف حکم روزه عاشورا اولین نکته تعارض در متن و احکام این روایات است، زیرا براساس بعضی پیامبر ﷺ عامل به سنت جاهلی بوده اما در روایتی پس از مشاهده سنت یهود، از فلسفه‌اش می‌پرسند. در برخی نیز با نفی گزارش فوق، آمده تا زمان هجرت حضرت ﷺ از این سنت اطلاعی نداشته که با پرس وجو، در جریان موضوع قرار گرفتند. روایتی نیز می‌گوید: «هنگام تشریح رمضان، پیامبر ﷺ رسم معمول را ترک و امت را به روزه عاشورا مخیر نمودند» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۲۲۶/۲). آخر الامر بیان شد: «حضرت ﷺ به سنت امر شده توسط خودشان پایبند نبودند (أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَمَرَ بِصَوْمِ عاشورا، وَكَانَ لِأَيُّوْمِهِ)» (هیثمی، ۱۹۶۱م، ۱۸۶/۳).

موضوع دیگر اینکه پیامبر ﷺ در تشریح دین و احکام از دیگران تبعیت نمی‌کردند و تا زمان تشریح حکمی جدید، سنتی از شرایع پیشین نزد ایشان پذیرفته نبود (بصری، بی تا، ۳۳۶). برخی عدم تبعیت پیامبر ﷺ و عبادت ایشان مطابق شرایع سابق را اجماعی می‌دانند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۳۵۸/۱). از مهمترین نشانه‌های تبعیت پیامبر ﷺ از شرایع سابق و سنن جاری جامعه قبل از نزول وحی این است که ایشان بایستی در عهد بعثت و قبل از تشریح حکم جدید نیز به احکام آنان مراجعه نموده و منتظر نزول وحی نماند، ولی دلایلی که بیان

می‌شود مشخص می‌کند که چنین اقدامی (عدم انتظار وحی و اجرای سنت جامعه و شریعت سابق) از سوی حضرت ﷺ صورت نگرفت:

الف: چون در جوامع روایی گزارش، روایت موید این موضوع وجود ندارد؛

ب: عمر بن خطاب برگی از تورات را مطالعه کرد و پیامبر ﷺ غضبناک به او فرمودند: «اگر او (موسی) زنده بود، چاره‌ای جز تبعیت از من نداشت.» از طرف دیگر حضرت ﷺ اقدام معاذ انصاری را در حکم اجتهادی خود که در اثری از آن را در کتاب و سنت نیافته بود، تأیید نمود، در حالی که اگر غیر این صورت بود ایشان باید به حکم تورات متعبد باشد و معاذ را نیز به تورات و انجیل ارجاع دهد (فخررازی، ۱۴۱۸ق، ۲۶۳/۳)؛

ج: این تبعیت توسط علما نیز بایستی دنبال می‌شد و اما چنین تأسی‌ای برای مسائل مستحدثه در طول تاریخ، از هیچ فقیه و محدثی گزارش نشده است (فخررازی، ۱۴۱۸ق، ۲۶۸/۳-۲۶۶)؛

د: روایاتی نیز مؤید این موضوع است که پیامبر ﷺ امتش را از تبعیت یهود منع کردند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَشَبَهَ بغيرنا، لَاتَشَبَهُوا بِالْيَهُودِ وَ لَابَالنَّصَارَى» (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵۶/۵). این حکم با اندک اختلافی نیز روایت شد: «لَاتَشَبَهُوا بِالْيَهُودِ وَ بالنَّصَارَى» (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ۱۲/۱۱). همچون روایتی که در چگونگی نمازگزاردن از ایشان روایت شده است: «صلوا فی نعالکم و خالفوا الیهود: با کفشهایتان نماز بخوانید تا با یهود مخالفت ورزیده باشید» (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ۷/۲۹۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ۲/۱۷۲؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۲۶۰/۱).

در پی برداشتهای متنوع و متفاوت از مجموع روایات روزه عاشورا، با توجه به روند صدور روایت و فهم برساختگی یا صحت آنها، چند راه حل فقه‌الحدیثی به دست می‌آید:

۱. اولین نکته مهم بررسی تاریخی صدور روایات مربوطه است، بدین نحو که توجه به تاریخ بیان روایات و بررسی همزمانی (تداخل) وقایع تاریخی (شان نزول) می‌تواند راه‌گشای خوبی در فهم روایات باشد، زیرا شناخت زمان و صحت صدور روایت گام ابتدایی در موضوعات تاریخی است.

تداخل چندین مناسبت در یک روز طبیعی بوده است و بدین جهت وقوع اتفاقات، که برخی یادآور پیروزی مؤمنین و ایام الله و زمانه عید است نشان می‌دهد که برخی احکام متأثر از این حوادث است (ابن‌عربی، بی‌تا، ۲۹۰/۳). روایات روزه، بدون ملاحظه حادثه‌ای

که بعدها اتفاق می‌افتد، بیان شده است و در مقابل، احادیث کراهت یا حرمت، با ملاحظه وقایع محرم ۶۱ هجری بوده است؛ واقعه‌ای که روزه‌دار را به‌سان کسی می‌داند که با بنی‌امیه در جبهه فکری مشترکی قرار گرفته و رفتارش مهر تأییدی بر عملکرد آنان می‌باشد، فرمایشی از امام باقر (ع) ما را به این تحلیل رهنمون می‌کند که: «می‌دانید عاشورا چه روزی است؟... کشتی نوح ﷺ بر کوه جودی نشست... خداوند توبه آدم و حوا را پذیرفت؛ دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافته و فرعون و همراهانش را غرق نمود... زادروز ابراهیم ﷺ و عیسی ﷺ است... و توبه قوم یونس ﷺ در آن پذیرفته شد» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۱/۳۳۸). به خاطر مجموعه وقایع منتسب به بنی‌اسرائیل؛ یهود با مبارک‌دانستن این روز، آن را عید محسوب کرد (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ۲/۲۵۱). نکته‌ای که توسط ابن‌جوزی تأکید شد اینکه بیشتر روایات توسعه اتفاقاً دهم محرم جعلی هستند (ابن‌جوزی، ۱۳۸۶ ق، ۲/۲۰۲-۲۰۰).

۲. نشانه دیگر صحت صدور حدیث، زبان بیان روایات است. نوع روایات جعلی در بیان اعمال عبادی در قالب بیان مستحبات و مکروهات هستند، به گونه‌ای که در آنها موضوعی عادی با مبالغه بیان شده است؛ مسئله‌ای که در درجه اولویت حداقلی می‌باشد عملی با ارزش معنوی بسیار والا و مرضی درگاه الهی معرفی می‌گردد و در جهت عکس این موضوع نیز مکروهی ناچیز موجبات خسران ابدی که زمینه دخول در جهنم را فراهم می‌کند، همانند آنچه به عنوان روایات «من بلغ» مشهور است (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ۲/۸۷؛ حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۱/۶۳ و ۱/۸۲-۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲/۲۵۶). در صورتی که روایات روزه عاشورا با بیانی عادی، فاقد هر گونه اغراق است، در نتیجه موضع‌گیری ائمه ﷺ در مقابل بنی‌امیه راهکاری راهبردی و جهت‌مقابله با بهره‌برداری سیاسی از واقعه عاشورا توسط حکومتی بود که ادعا داشت مشیت الهی نیز در این پیروزی همراهش شده است. در مخالفت با این اندیشه بود که موضع‌گیری امام صادق ﷺ دلیلی شد تا راه سوء‌برداشت سیاسی را نفی و القاء پیروزی آنان را بی‌اعتبار نماید (طوسی، ۱۳۶۴ ق، ۴/۳۰۱؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ۴/۱۴۷). در تحلیل روایات مبتنی بر جشن‌بودن روزهای نهم و دهم محرم علاوه بر اضطراب متن از بررسی سندی آنها نیز به دست می‌آید که راویان این روایات از جمله نافع، ابن‌شهاب زهری، شیبانی و... علاوه بر حمایت امویان همسو با سیاستهای حکومت اموی از هیچ تلاشی در کمرنگ‌نمودن واقعه عاشورا فروگذار نکردند (مناوی، ۱۴۱۵ ق، ۶/۳۰۶-۳۰۰؛ ذهبی، ۱۴۱۵ ق، ۲/۲۰۷-۱۹۹).

با توجه به سستی روایات روزه عاشورا، مواضع خلفای بنی امیه در نشر این گونه روایات و تأییدی که از برخی سلسله روایت به دست آورده بودند مواضع اهل سنت در این مورد یکدست نبوده و اندیشه‌های مخالفی نیز از میانشان برخاسته است؛ مؤلف «الموضوعات» با شناختی که از روات و روایات جعلی دارد، بیان می‌کند: «این کارها، روزه و جشن و سرور در عاشورا، به گروهی از ناصیبان منتسب بوده تا به واسطه این اعمال موجبات تکدر خاطر شیعیان را فراهم آورند» (ذهبی، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹/۲). مناوی هم در این راستا افزوده است: «آنچه در فضایل عاشورا از قبیل روزه، نماز، انفاق، خضاب، روغن زدن و سرمه کشیدن بیان شده، بدعتی از بدعت‌های قاتلین حسین علیه السلام و نشانه دشمنی با اهل بیت علیهم السلام (ع) بوده که ترک آن واجب است» (مناوی، ۱۴۱۵ق، ۳۰۶/۶). نکته پایانی اینکه در رفتار جشنی اعراب در مراسم آستانه ظهور اسلام خبری از روزه دیده نیست، مطابق بافت عمومی این گونه رفتارها هماهنگ با دیگر جوامع بود: پوشیدن لباسهای نو، به‌کاربردن انواع زیورآلات و آرایشها، تقدیم ولیمه‌های مختلف، اجرای بازیهای مختلف چون اسبدوانی، نیزه‌اندازی، تیراندازی و گاه چوگان، نیز رقص و آوازخوانی و نواختن آلات موسیقی، به‌ویژه به‌خدمت‌گرفتن سیاهان حبشی برای رقص و نواختن دف و خوانندگی (علی، ۱۹۹۳م، ۱۰۵/۵-۱۰۴) که گاه این مراسم ساز و آواز طرب انگیز را به عنوان نذر برای شفای بیمار یا بازگشت مسافر از سفری سخت یا پیروزی در جنگها برگزار می‌کردند (نویری، ۱۹۹۰م، ۱۳۹/۴-۱۳۸).

جمع بندی حکم روزه عاشورا و ارائه راهکار

پس از بررسی روایات مختلف مرتبط با روزه عاشورا، با توجه اضطراب در مدلول این روایات چند راه حل به عنوان جمع بندی به نظر می‌رسد:

۱. روزه به کدام نیت؟

روزه به قصد شکر در تبرک و شادمانی، یا به نیت تقرب. روایات ناهیه بر قسم اول و روایاتی که روزه را عملی پسندیده می‌دانند بر قسم دوم دلالت دارند؛ روزه به قصد شکر به علت تشابه به مشی امویان ناپسند است. اما در ایام دیگر جز اعیاد فطر، قربان و نذر و عهد، با نیت تقرب، عملی مشروع و پسندیده بوده و روایات مؤید روزه، تأکیدکننده این موضوع

است. صاحب جواهر با تأیید کراهت روزه مطابق فتوای مؤلف «الشرائع» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/۲۴۰) معتقد است نیت روزه در صدور فتوا مؤثر است: «لا أن یکون علی وجه التبرک و الشکر و بذلک جمع الشیخان و غیرهما بین الروایات الدالة علی المطلوبیه و النصوص المتضمنه للنهی عن صومه» (نجفی، بی تا، ۱۷/۱۰۵).

۲. امساک کامل یا ناقص

در «شفاء الصدور» آمده است که روایات دال بر جواز روزه بر امساک ناقص، و روایات ناهی بر امساک کامل، حمل می‌شوند. در نتیجه حکم استنباطی مجموعه روایات چنین است: روزه عاشورا مردد بین حرمت و کراهت است و در فقه آل محمد^{علیهم‌السلام} به هیچ وجه جای احتمال استحباب در آن نیست (تهرانی، ۱۳۸۳ش، ۳۹۲-۳۸۳).

۳. تأثیر برخی ملاحظات فقهی در صدور فتوا

روزه عاشورا پس از تشریح روزه ماه رمضان، جایز و روا- نه مستحب و مکروه- شد، گرچه ملاحظات ثانوی سبب کراهت یا حرمت آن گردید که جنبه عارضی دارد. ممکن است حکم روزه عاشورا به‌سان عرفیات پسندیده جاهلی باشد که اسلام نه تنها آن را تخطئه نکرد بلکه تأیید و تأکید هم نموده بود. اما پس از مدتی و در پی واقعه‌ای، از سنتی واجب، به عملی جایز تغییر حکم داد. حکمی که عنصر زمان و مناسبت‌های سیاسی در برداشت و فهم از روایات در آن تأثیرگذار بوده است. امام باقر^{علیه‌السلام} درباره حکم روزه فرمودند: «قبل از وجوب روزه رمضان، روزه عاشورا واجب بود؛ اما با تشریح احکام رمضان روزه عاشورا ترک گردید» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۲/۵۱). هم‌چنین با اشاره به بدعت بودن روزه عاشورا در مقابل روزه واجب، فرمودند: «صوم متروک بنزول شهر رمضان، و المتروک بدعه» (کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴/۱۴۶).

احکام مجزا در تبیین روایت روزه عاشورا و تاسوعا به شرح ذیل قابل تفکیک است:
الف: اگر روزه به قصد وجوبش باشد، بدعت و حرام است، زیرا روزه‌های واجب غیر از این مورد است؛

ب: اگر عنوان روزه با نیت تبرک (همراهی با بنی‌امیه و تأیید اقدام آنان در واقعه محرم سال ۶۱) باشد، کفر و نشانه خروج از مذهب است؛

ج: اگر اقدام به روزه تنها جهت نیل به فضیلت مطلق آن باشد، با توجه به این که ممکن است مشابهتی در نیت روزه با مشی بنی امیه وجود داشته باشد، در زمره مکروهات قرار می‌گیرد (ثقفی، ۱۳۸۵ ش، ۴۲۰). نکته‌ای که طوسی هم در «تهذیب الاحکام» و پس از ذکر روایات متفاوت روزه عاشورا در جمع تبرعی روایات مربوطه نسبت به آن غافل بوده است، چون ایشان معتقد است اگر روزه با اعتقاد به همراهی با مخالفان در تبرک این روز باشد محل اشکال است (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ۳۰۲/۴). در حالی که هیچ شیعه‌ای اقدام به انجام عملی که هماهنگ با مشی مخالفان ائمه علیهم‌السلام باشد، نمی‌کند، چه رسد به اینکه در امر عظیم عاشورا هماهنگ با امویان به عنوان مسببان اصلی واقعه کربلا، روزه‌دار هم باشد.

با توجه به این نکته که برخی از روایات وجوب یا استحباب صوم عاشورا توسط فقهای همچون ابن‌شهاب زهری، شیبانی، سعید بن جبیر که از احترام ویژه‌ای در دستگاه اموی برخوردارند، نقل شد (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ۷۵)، زمینه‌ای ایجاد می‌کند تا با تحلیل سیاسی موضوع به چالش اصلی روایات صوم دست یابیم. حکومت بنی‌امیه با سوءاستفاده از موقعیت خود احادیث فراوانی را در تأیید مقاصد سیاسی خود بر ساختند (مقریزی، ۱۴۱۸ ق، ۳۸۵/۲؛ بیرونی، ۱۸۹۸ م، ۲۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۹۱/۶۱)؛ اقدامی که هیچ دولتی قبل از آنان چنین داعیه‌ای نداشت و به منظور تحریف قیام عاشورا، عنوان عید نیز بدان الصاق شد (هیثمی، ۱۹۶۱ م، ۱۸۵/۳). کراچکی نیز معتقد است موضوع جشن امری عارضی بوده که بعدها به روزه ۱۰ محرم الصاق شده است (کراچکی، بی‌تا، ۴۵) تا حکم روزه بدون هر گونه شائبه‌ای قرین صحت باشد. ائمه علیهم‌السلام با روشنگری و نهی از روزه عاشورا، آن را بدعتی باطل شمرده و به مقابله سیاسی با حرکت مذهبی - سیاسی بنی‌امیه برخاستند؛ از روایات به دست می‌آید که بنی‌امیه با تبلیغات سوء در حال مواجهه با قیام عاشورا بودند و همسویی حکومت با فقهای مورد اشاره نیز سببی شد برای ترویج و تغییر اعتبار قیام و تحریف آن (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ۷۵)، که با هوشیاری امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام (حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۴۵۱/۱۰)، اقدامشان باطل شد، هماهنگ با این موضع‌گیری بود که روایان با توجه به گرایش سیاسی - عقیدتی خود، تنها راوی یک قسم از روایات وجوب، حرمت یا جواز شدند (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ۳۰۱/۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق، ۱۳۴/۲؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ۱۴۵/۴).

با این تحلیل است که امام صادق علیه‌السلام در تبیین فلسفه حکم جدید روزه عاشورا فرمودند: «لاتصم یوم عاشورا» (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ۳۰۰/۴). در روایتی دیگر پس از پرسش راوی

از حکم روزه عاشورا، امام علیه السلام فرمودند: «... اگر تو دشمن ما و خشنودی، روزه بگیر.» آن گاه در ادامه افزودند: «آل امیه نذر کردند اگر حسین علیه السلام کشته شد آن روز را عید قرار دهند و به شکرانه اش روزه بگیرند؛ پس این سنت تا به امروز باقی است، از این جهت در عاشورا با روزه خشنود بوده و به تبع آن به شادی می برداختند و خویشاوندان خود را نیز در آن روز خشنود می سازند.» آن گاه امام علیه السلام در فلسفه کراهت روزه فرمودند: «روزه در مصیبت نیست... حسین علیه السلام در عاشورا گرفتار مصائب شد. پس اگر محزون و مصیبت زده ای روزه مگیر» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۳۴۱/۷).

همین مسئله با توجه به رویکردهای مختلف جامعه، دغدغه ابن زراره در فهم چرایی تنوع احکام روزه عاشورا نیز بوده است. امام صادق علیه السلام در رفع شبهه وی فرمودند: «هر کس در عاشورا روزه بگیرد، بهره اش از روزه، مثل ابن مرجانه و آل زیاد است.» سؤال شد: بهره آنان چه بود؟ امام علیه السلام فرمود: «آتش» (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ۱۴۷/۴؛ طوسی، ۱۳۶۴ ش، ۳۰۱/۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق، ۱۳۵/۲).

در نهایت باید افزود با بیان شیخ الطائفه در جمع تبرعی روایات ناهی و مؤید روزه بعد از تشریح رمضان، روزه فی نفسه نه حرام است و نه مستحب، بلکه عملی است جایز، اما هر زمان روزه عاشورا هماهنگی با دشمنان اهل بیت علیهم السلام محسوب شود، به عنوان حکم ثانوی، حرام بوده و هر جا که آن مفهوم را القا نکرد حکم واقعی خود را پیدا می کند. از امام صادق علیه السلام درباره روزه تاسوعا و عاشورا سؤال شد. فرمودند: «... این روزها برای روزه گرفتن نیست، چون زمان حزن و مصیبت اهل آسمان، زمین و جمله مؤمنین، در مقابل سرور ابن مرجانه و آل زیاد و شامیان است» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ش، ۴۶۰/۱۰).

۴. تمیز ناسخ از منسوخ

احتمال دیگر این که: روایات دال بر جواز، نسخ شده و هر راوی بدون ملاحظه این قاعده، تنها راوی روایات جواز یا ناهی روزه باشد. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در روزه عاشورا پس از تشریح وجوب روزه در ماه رمضان، از وجوب به استحباب نسخ شد (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ۱۴۶/۴؛ هندی ۱۴۱۱ ج ۸ ص ۶۵۶) و سنت بنی امیه در ترویج ثواب روزه عاشورا بدعتی بود برای مقابله با اهدافی که قیام عاشورا بر آن مبتنی است (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ۸۰). از ماحصل

روایات و فتاویٰ فقهی چنین بر می‌آید که روایات پیامبر ﷺ در ارتباط با تخییر روزه عاشورا بیانگر اجازه اجرای این سنت است.

۵. ملاحظات سیاسی در فهم روایت

نکته‌ای که مرحوم خوانساری در حرمت روزه عاشورا و تقیه‌دانستن روایات جواز روزه بر آن تأکید دارد، حکایتی است متفاوت که بایستی با ملاحظات سیاسی عجین دانست (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۲۶). دوره مجلسیها و اندکی قبل از آن در پی تقابل دول صفوی و عثمانی و ادعای حاکمیت بر جهان اسلام از سوی هر کدام از طرفین، زمینه‌ای ایجاد شد تا هر دولتی مذهب همسو با سیاستهای خویش را تبلیغ کند و با تاریخ‌نگاری جدید راه خود را از دیگری جدا کند. تمسک به اهداف سیاسی در تفاوت برداشت از چنین روایاتی به منظور اشاعه عقیده مذهبی خاص، کمک شایانی به فهم صحت و چگونگی صدور احکام روزه عاشورا می‌نماید.

۶. زوایای مذهبی در صدور حکم

در تحلیل روایات صوم عاشورا بایستی به بستر عقیدتی و گرایشهای مذهبی در صدور فتوا و حتی نقل تاریخ توجه نمود. هر چه فاصله بیشتری از واقعه کربلا داشته باشیم با توجه به گسترش اختلافات عقیدتی، احکام صادره در این موضوع نیز از تنوع بیشتری برخوردار می‌گردد. بر این اساس حکم روزه عاشورا با دگرذیسی قابل توجه از وجوب به استحباب تنزل یافته در ادامه برخی به دیده کراهت به آن نگریستند و در نهایت اعتقاد به حرمت روزه عاشورا آخرین حکم استنباطی گردید که معتقدان خاص خود را نیز دارد. این امر در حالی است که در خصوص اختلافات میان فریقین هر چه به متقدمان نزدیکتر باشیم، تشتت آراء کمتری به چشم می‌آید. از میان نمونه‌های مختلف تنها به ذکر دو عنوان بسنده می‌کنیم.

۶-۱. تاریخ میلاد پیامبر

ذکر دو ماده تاریخ ۱۲ و ۱۷ ربیع‌الاول جهت بیان تاریخ میلاد پیامبر ﷺ که با مراجعه به اسناد متقدمان پی می‌بریم آنان به تاریخی مشترک در تولد پیامبر ﷺ معتقد بودند. شیخ کلینی به‌سان اهل سنت ۱۲ ربیع‌الاول را زادروز پیامبر ﷺ نقل کرده است: «پیامبر ﷺ در روز جمعه

دوازدهم ربیع الاول عام الفیل متولد شد» (کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴۳۹/۱). مسعودی نیز در اثبات الوصیه این قول را صحیح می‌داند (مسعودی، ۱۴۲۶ق، ۱۱۴).

۶-۲. صلوه وسطی

عده‌ای مصداق نماز وسطی را نماز عصر دانسته‌اند؛ از جمله شیعیان می‌توان به سید مرتضی اشاره کرد که هماهنگ با فتوای علمای اهل سنت یعنی ابوحنیفه، احمد، داود بن منذر، ابو ثور، حسن بصری و نخعی فتوا صادر کرد (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ق، ۶۱/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۵۹۹/۱).

نتیجه

با بررسی روایات تأییدکننده روزه عاشورا و تطبیق آنها با روایات ناهی روزه، با استفاده از علم درایه الحدیث به موارد زیر دست می‌یابیم:

۱. بر مبنای روایات جوامع حدیثی و هم‌چنین اخبار تاریخی متقن اصل روزه روز عاشورا و در برخی نقلها روز تاسوعا در زمان رسول خدا ﷺ و قبل از تشریح روزه رمضان واجب بود و ایشان نیز به این سنت جامعه پایبند بودند. اما با تشریح فریضه روزه رمضان، با امر به تخییر پیامبر ﷺ حکم وجوب روزه عاشورا به فریضه‌ای مستحبی نزد صحابه و تابعین تبدیل شد.

۲. با توجه به تفاوت گاه‌شماری ارباب با یهودیان سنتی از یهود به عنوان روزه دهم محرم در هیچ یک از منابع متقدم درج نشد و اعراب نیز ضمن آشنایی با آداب اقوام و پیروان ادیان همجوار تنها برخی از این آئینها را اجرا می‌کردند که آن هم در قالب برخی مسائل طرب‌انگیز و مسابقات سنتی و استفاده از زیورآلات بود.

۳. روایات مؤید و ناهی روزه عاشورا را بایستی با استفاده از علم ناسخ و منسوخ در قالب درایه الحدیث مورد بازشناسی قرار داد. حکمی واجب که با تشریح رمضان منسوخ شد و با واقعه محرم ۶۱ هجری نسخ حکم روزه رنگ و بوی مذهبی نیز به خود گرفت.

۴. تغییر استحباب به کراهت را می‌توان مشی و برداشتی سیاسی دانست که امام صادق ﷺ در مقابله با بنی‌امیه اتخاذ کرده تا برخلاف سیاست عاملان شهادت امام حسین ﷺ و یارانش،

ضمن بزرگداشت مقام و اهداف شهدای کربلا، به یکه تازی تبلیغی و پیروزمنددانستن امویان در واقعه کربلا پایان دهند.

۵. تحلیل نگاه حکومتی و سیاست حاکمان در طول تاریخ در بررسی روایات و هم‌چنین احکام مستنبط از آنها می‌تواند نقشی اساسی در فهم روایات داشته باشد. آنجا که مرحوم مجلسی ضمن هماهنگی با حکومت صفویه و در مقابله با سیاست دولت عثمانی، اعلام داشت: برساختگی روایات وارده در تأیید روزه عاشورا بسیار روشن و نتیجه عملکرد واضعان حدیث مورد تأیید خلافت اموی می‌باشد.

۶. روایات امام صادق علیه السلام در نقد روزه عاشورا با توجه به جو سیاسی حاکم نسبت به ائمه علیهم السلام دیگر بیشتر است، در حالی که اصل دگردیسی این حکم و مقابله فرهنگی با اقدام بنی‌امیه در تکریم روزه عاشورا از زمان امام باقر علیه السلام شروع شد.

۷. تغییر احکام روزه عاشورا از وجوب به استحباب و کراهت و حتی حرمت متناسب با تغییر رویکردها در توجه به چگونگی و روند صدور روایت و تأثیر اندیشه‌های مذهبی یا نگرش سیاسی نسبت به روایات صوم عاشورا و واقعه نینوا بود.

فهرست منابع

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن‌ابی‌شبیبه، عبدالله بن محمد، *الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی، *الموضوعات*، مدینه، المكتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.
- ابن‌زهره حلبی، حمزة بن علی، *غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع*، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، بی‌تا.
- ابن‌عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن‌عربی، محمد بن علی، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن‌کنیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، *مقاتل الطالبیین*، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بی‌تا، بی‌تا.
- استادی، رضا، «پیشینه عاشورا»، *مجله پیام حوزه*، شماره ۶۵ و ۶، ۱۳۷۴ش.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب*، بیروت، چاپ محمد بهجه اثری، ۱۳۱۴ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- بصری، محمد بن علی، *المعتمد فی اصول الفقه*، دمشق، بی‌تا.
- بهایی، محمد بن حسین، *جامع عباسی*، اصفهان، حسب الامر نظام السلطنه، ۱۳۱۲ق.
- بیرونی، ابوریحان، *الآثار الباقیة عن القرون الخالیة*، لایپزیک، ۱۸۹۸م.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
- تهرانی، ابوالفضل، *شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور*، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳ش.
- توفیق سقاف، حسن، *مجله الهادی*، قم، بی‌تا، بی‌تا.
- تقفی تهرانی، حسن، *شرح زیارت عاشورا*، تهران، هاد، ۱۳۸۵ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین و بذیله التلخیص*، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تهران، المكتبة الإسلامية، ١٣٧٦ ش.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مكتبة الحياة، بی تا.
- حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، دارالتفسیر، ١٣٧٤ ش.
- خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (المحشی)، مشهد، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ١٣٩١ ش.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، اسماعیلیان، ١٤٠٥ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، المستند فی شرح العروة الوثقی، نسخه دیجیتال، حوزه علمیه اصفهان، بی تا.
- همو، موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ١٤١٨ ق.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسند الدارمی، دمشق، مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، ترتیب الموضوعات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ ق.
- رستگار جزی، پرویز، «ابوحنیفه و قیام علویان»، مجله میثاق امین، پیش شماره ٢، بهار ١٣٨٦ ش.
- سبزواری، سید محمدباقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، تهران، المكتبة الإسلامية، ١٣٧٧ ق.
- شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار، بیروت، بی تا، ١٩٧٣ م.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ١٣٨١ ق.
- شیرازی، میرزا محمدعلی، معیار اللغة، تهران، چاپ سنگی، ١٣١٦ ق.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت، المكتبة الإسلامی، ١٤٠٣ ق.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٤٠٤ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ١٤٠٨ ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، دارالتراث، بی تا.
- طبسی، نجم الدین، صوم عاشورا بین السنة الأمویة و البدعة الأمویة، منشورات عهد، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ١٣٩٠ ق.
- همو، الأمالی، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق.
- همو، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ١٣٦٤ ش.

- همو، مصباح المتبجح، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، بی نا، ۱۹۹۳م.
- فاضل مقداد (سیوری حلی)، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ش.
- فاطمی، احمد، حیرت نامه (بررسی و رد علمی دلایل برادران اهل سنت، پیرامون خلافت و امامت)، ترجمه التعجب من أغلاط العامة فی مسألة الإمامة، محمد بن علی کراجکی، تهران، هاد، ۱۳۸۱ش.
- فخررازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم الأصول، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، الشافی فی العقائد و الأحکام و الاخلاق، تهران، دارالنشر، ۱۴۲۵ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم، دارالرضی، بی تا.
- قزوینی، زکریا بن محمد، عجایب المخلوقات با حاشیه حیاة الحیوان، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مکمل، بی تا.
- کراجکی، محمد بن علی، التعجب فی الإمامة حسن، چاپ سنگی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۱ق.
- کهن، آراهام، گنجینه ای از تلمود، تهران، اساطیر، ۱۳۹۴ش.
- مالک بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- منز، آدم، حضارة الإسلام فی القرن الرابع الهجری (عصر النهضة فی الإسلام)، ترجمه محمد عبدالهادی ابوریده، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۶۶ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- همو، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ش.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ق.
- مطهری، حمیدرضا؛ رفیعا، مهدی، «بررسی تاریخی روزه عاشورا در صدر اسلام»، مجله تاریخ اسلام، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱ش.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ق.

- مقریزی، احمد بن علی، *المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزية*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٨ ق.
- مناوی، عبدالرئوف، *فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ ق.
- موسوی مرقم، عبدالرزاق، *رهبر انقلاب خونین کوفه*، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، جهان، ١٣٥٧ ش.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- زراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعة فی احکام الشریعة*، چاپ سنگی، بی تا.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب، *نهایة الأرب فی فنون الأدب*، قاهره، بی تا، ١٩٩٠ م.
- هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، کتابخانه طهوری، ١٣٤٩ ش.
- هورینی، نصر، *قاموس المحيط*، بی تا، بی تا.
- هیثمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب، ١٩٦١ م.